



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

WWW.

پرویشگاه
علوم انسانی



ارتباطات آیینی را بشناسیم

دکتر علی جعفری

ارتباط چیست؟ از چه ماهیتی برخوردار است؟ چگونه شناخته می‌شود؟ چگونه نسبت آن با دیگر واقعیت‌های اجتماعی صورت می‌پذیرد و چگونه تبیین می‌شود؟

انبوه سؤالات و تحریک انگیزه‌های علمی اندیشمندان - که خود معلول افزایش روز افزون نقش ارتباطات و نیز تنوع و تعدد اشکال و ساز و کارهای آن در جوامع معاصر بود - منجر شد تا ارتباط نیز به موضوع جدیدی در بررسی‌های دانشگاهی تبدیل شود و رشته‌هایی در مطالعات ارتباطات تأسیس گردد.

پس از گذشت حدود هفتاد سال از بنیان‌گذاری دانش ارتباطات، هزاران استاد و ده‌ها هزار دانشجو در صدها مرکز علمی - پژوهشی جهان مشغول بررسی‌های ارتباطی هستند. در طی این دوران، انبوهی از پدیده‌ها از نظر ارتباطات مطالعه و صدها مفهوم گوناگون جدید به جهان علوم انسانی و اجتماعی ارائه شده است.

از طرف دیگر آمیختگی ذاتی ارتباطات با انواع واقعیت‌ها و متغیرهای اجتماعی، مطالعه علمی آن را نیز به سوی رویکردهای میان‌رشته‌ای کشانده و به این ترتیب حجم موضوعات، مسائل ارتباطی، عمق مفاهیم و گزاره‌های جدید با سرعتی اعجاب‌آور در حال فزونی است.

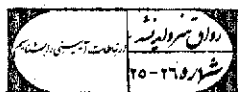
ولی در گستره پهنای دانش ارتباطات، هم اکنون، آن‌چه بیش از همه محل چالش و اختلاف می‌باشد، همان مفهوم اولیه و بنیادین این علم، یعنی ارتباط است. شاید در هیچ بخشی از ارتباطات در جایگاه علم، به اندازه تعریف مفهوم ارتباط اختلاف نظر وجود نداشته باشد. هنوز هم کتب ارتباطی پر از انواع تعاریف و برداشت‌های تصریحی یا تلویحی ارتباط‌شناسان از این مفهوم چند بعدی است؛ به نحوی که تألیفات فراوانی تنها با تمرکز بر دسته‌بندی، مقایسه و تحلیل این تعاریف به منظور به‌دست‌آوردن جامع‌ترین آن‌ها شده است.

کتاب ارتباطات آیینی از گفت‌وگوهای به‌روز شده تا جشن‌های رسانه‌ای، مصداق برجسته و کم‌نظیر از آثاری است که به بهترین شکل، زنده بودن مباحث دامنه‌دار مفهوم‌شناسی ارتباطات را نشان می‌دهد. این کتاب پس از گذشت هفتاد سال از تأسیس دانش ارتباطات، و مکاتب قدرتمند گوناگون آن، می‌تواند فهم و تعریف جدید و در عین حال متفن خود را در خصوص نگاه متمایزش به واقعیت ارتباط توضیح دهد. جان کلام این اثر در بخش انتهایی آن با نام برداشت‌های آیینی از فرهنگ و ارتباط آشکار می‌شود؛ آن‌جا که با جمع‌بندی مباحث پیشین و با اشاره به دیدگاه‌های اجمالی جان کری در مطرح کردن مفهومی آیینی از ارتباط، ادامه می‌دهد:

برداشت انتقالی از ارتباطات بر اطلاع‌رسانی، تأثیر ارتباط بر مکان، نگاه آیینی بر معنا و نگهداری جامعه در زمان تأکید می‌کند. اولی بر قدرت و کنترل و دومی بر مشارکت و فرهنگ تأکید می‌نماید. همین اندازه هم خود به تنهایی نکته مهمی به شمار می‌آید و تحولی زاینده در دیدگاه‌هایی است که تاکنون عرضه شده‌اند.

این کتاب سعی کرده است معیار نوینی را در برابر معیار مسلط قبلی درباره فهم واقعیت ارتباط - بخوانید فرآیند انتقال پیام - به‌وجود آورد. معیار اخیر، ارتباط را نه روند انتقال پیام، بلکه آیین محوری زندگی آدمی تلقی می‌کند که انتقال پیام یکی از فروع آن است. از نظر رودنبولر - مؤلف کتاب - در نگاه انتقالی به ارتباط، آن‌چه دغدغه اصلی پژوهشگر ارتباطی را تشکیل می‌دهد، مطالعه نحوه و میزان تأثیر پیام‌های ارتباطی است. این دغدغه، تأثیر پژوهی را به کانون اصلی و محوری مطالعات ارتباطی تبدیل می‌کند ولی توجه داشته باشیم که مطالعه اثر ممکن است به غفلت از جوهر و معنای ارتباط منتهی شود و در صورت لزوم موضوعاتی را که به طور مستقیم به ارتباطات مربوط نمی‌شود به صورت مسئله‌ای در این دانش مطرح کند.

رودنبولر چنین آسیبی را مشابه آسیب غفلت از خواندن متن در ازای توجه صرف به آن‌چه پس از مطالعه در خواننده پدیدار خواهد شد، می‌داند. این نوع توجه آسیب‌زا به دنبال خود امتناع و در نهایت اغواگری را که از مؤثرترین انواع ارتباط هستند به روند مسلط ارتباطی تبدیل می‌کند و در مقابل از غنای زیبایی‌شناختی، ادبی و محتوایی بسیار کم می‌کند.



از نظر رودنیولر، نگاه تأثیرمحور به ارتباط، در جای خود به تلقی یک‌طرفه و انگاره محرک که پاسخ به آن دامن می‌زند، منتهی می‌باشد. در این صورت ارتباط به جای این‌که تعامل باشد، عمل و به جای این‌که فرآیند - بخوانید فراگرد - محسوب شود، محرکی محض است. بر مبنای نظر رودنیولر هنگامی که انسانی‌ترین موضوعات را به سطح پدیده‌ای طبیعی - که مبتنی بر الگوهای عمل ماده و انرژی هستند - تقلیل دهیم از همان ابتدا دچار بدفهمی جدی و بنیادین در این خصوص گشته‌ایم. این‌جاست که استعاره ابداعی جان کری در این‌که آیین را ارتباط تلقی کنیم، نظر رودنیولر را به خود جلب کرده، آن را مبنای پردازش و تکامل نظریه‌ای جدید در جهان علم ارتباط می‌گرداند و *ارتباطات آیینی* را به تربیون اصلی آن تبدیل می‌کند. رودنیولر می‌گوید:

کری با مفهوم آیینی ارتباطات، بصیرت و زبانی جای‌گزین پیشنهاد می‌کند که با استعاره‌های فیزیکی و وابسته به علوم تجربی پیوستگی کمتری دارد. اگر به جای این‌که ارتباطات، جابه‌جایی دانسته شود، آیین گردد به جای انتقال با اجراء به جای مصرف با مشارکت، به جای تأکید بر نتایج و راهبرد با معنا و زیبایی و به جای تأثیرگذاری یا نفوذ با فراخوان و دعوت هم‌بسته خواهد بود. [چون] آیین چیزی نیست که انسان مخاطب آن باشد، بلکه چیزی است که فرد در آن مشارکت می‌کند؛ همچنین چیزی نیست که برای فرد اتفاق بیفتد، چیزی است که فرد آن را انتخاب می‌کند تا چیزی از آن باشد... برای فهم اهمیت آن تلاش نمی‌کنیم، آثار آن را همان‌طور که درباره فیلم‌های تلویزیونی عمل می‌کنیم برآورد نمی‌کنیم. پس اگر ارتباطات را به طور کامل یک آیین تلقی کنیم، ناگزیر باید از آن اشتباهات کاملاً پرهیز نماییم.

به یک معنی تمام کتاب نام‌برده در اثبات و نیز توضیح پاراگراف بالا شکل گرفته است. رودنیولر در نظمی هوشمند و با شبی ملایم از توضیحات گوناگون درباره آیین، ارتباطات، رسانه‌ها و... تئوری جدید خود را به صورتی شفاف و مستقیم بیان می‌کند.

مجموعه مطالب کتاب در دو بهره اصلی ارائه شده است:

بهره نخست کتاب با پرسش آیین چیست؟ شکل می‌گیرد. در بخش اول بهره نخست، مؤلف به



دنبال به دست آوردن راهبردهای کلی، جهت بررسی و گونه‌شناسی تعاریف گوناگون آیین با هدف دستیابی به تعریفی جامع و مانع است. یکی از نکات مهم این بخش تفکیک دو ساخت این مفهوم، یعنی آیین به نام اسم و آیین به نام صفت است. از یک طرف می‌شود آیین‌ها را مناسک و مراسم متمایزی از دیگر وقایع و فعالیت‌های زندگی روزمره تلقی کرد و از طرف دیگر می‌شود آن‌ها را جنبه‌های آیینی یا مراسمی فعالیت‌ها، فرایندها و حوادث معمولی و روزمره به شمار آورد. در ارجاع به دسته نخست، از آیین به صورت اسم و در ارجاع به دسته دوم از آیین با نام صفت استفاده می‌کنیم. رودنبولر درباره مزیت‌های این تفکیک نظری چنین توضیح می‌دهد:

جابه‌جایی آیین به نام اسم، با آیین مانند صفت، نه تنها جابه‌جایی در مرجع را - از آیین به عنوان امور به آیین در حکم جنبه‌ای از امور - ممکن می‌سازد؛ بلکه تحول در دیدگاه تحلیلی را آسان می‌کند. این امر به ما امکان می‌دهد تا ارتباطات را مانند آیین مطالعه کنیم، همان‌طور که ما را قادر می‌سازد تا درباره آیین‌های ارتباطی تحقیق نماییم. این امر به ما اجازه می‌دهد تا جنبه‌های آیینی تماشای روزمره تلویزیون را همانند وقایع و رخدادهای رسانه‌ای ویژه مطالعه کنیم. تمیز آیین به عنوان اسم از آیین در حکم صفت به ما اجازه می‌دهد جنبه‌های آیینی ارتباطات بین‌فردی روزمره را که با آن‌ها روابط اجتماعی برقرار می‌شود، مطالعه کنیم، همان‌گونه که ما را قادر می‌سازد تا رخدادهای مراسمی که تغییرات اساسی، در روابط اجتماعی را مشخص می‌سازد، مورد مطالعه قرار دهیم.

بخش دوم به بررسی موشکافانه انواع تعاریف ارائه شده درباره آیین اختصاص یافته است. این بررسی از طریق مطالعه اصطلاحات عمومی و محوری که در تعاریف گوناگون از آیین، هم‌نشین آن بوده، دنبال شده است. مؤلف در این بخش پس از مرور انتقادی پانزده اصطلاح معروف، تعریف مورد نظر خود را بیان می‌کند:

۱. کنش؛
۲. اجرا؛
۳. آگاهی، داوطلبانه بودن؛



۴. غیر ابزاری یا غیر عقلانی؛^۱

۵. غیر تفریحی بودن؛

۶. جمعی، اجتماعی؛^۲

۷. بیانگر روابط اجتماعی؛

۸. شرطی، نه اخباری؛^۳

۹. نمادهای تأثیر گذار؛

۱۰. نمادهای متراکم؛

۱۱. رفتار ابزاری [بینی] یا زیباشناختی، افراط هنری؛^۴

۱۲. رفتار سنتی؛

۱۳. رفتارهای به طور مرتب تکرار شونده؛^۵

۱۴. ارتباطات بدون اطلاعات؛

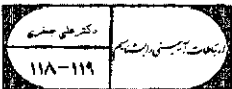
۱۵. توجه به امر قدسی، به عنوان عنصری از زندگی جدی.

یکی از نکات جالب توجه که رودنیولر در اصلاح پانزدهم ارائه کرده، توجه به امر قدسی به عنوان عنصری از زندگی جدی است. او سعی دارد با برخی توضیحات نظری و نیز استناد به مثال‌های عینی از زندگی روزمره، این کلیشه معروف را که «آیین عملی درباره امر قدسی است» به چالش بکشد و ثابت کند ویژگی‌های اصلی - همان جنبه‌هایی از اعمال که ناظر به امر قدسی است - در بسیاری از اعمال ناظر به امور غیر قدسی هم وجود دارد. بنابر این نمی‌شود واقعیت این جنبه‌ها - بخوانید آیین‌ها - را تنها منحصر در امر قدسی دید. رودنیولر از دو جهت ادعای خود را اثبات می‌کند:

۱. این که تفکیک قلمرو امر قدسی و غیر قدسی (دنیوی) بسیار دشوار و با توجه به فرهنگ‌های گوناگون متفاوت و نسبی است؛

حرکات بدنی که برای فرد یوگی، مقدس است برای پروتستانی، امری دنیوی به‌شمار می‌آید ولی در هر حال هر دوی این حرکات از بهره‌های آیینی برخوردارند.

1. noninstrumental or irrational
2. Collective, spcial
3. Subjunctive, not Indicative
4. Expressive or aesthetic behavior , aesthetic excess
5. regularly recurring behavior



۲. از نظر بسیاری از فرهنگ‌شناسان مانند الیاده، سولیوان و زوئس در هر اجتماعی با فرهنگی معین، امر قدسی هر آن چیزی است که از سوی افراد جامعه، بدون چون و چرا غایت - بخوانید امر مطلق - جدی تلقی می‌شود. چه این جدیت در ارجاع به الوهیت، قدرت مطلق و دیگر امور متعالی تعریف شود، چه در ارجاع به امور دیگر زندگی انسانی؛ بنابراین همان‌طور که کلیسا، معماری و تزئینات داخلی آن، زمان‌هایی خاص برای حضور، لباس‌های ویژه، شیوه‌های رفتار و فعالیت‌هایی که آغاز و انجام یک عبادت را نشان می‌دهند، همگی آیین‌های جدی و محتومی هستند که ارتباط کنترل شده با نیروهای قدسی اجتماعی را تجویز می‌کنند. چنین ساختار مشابهی را می‌شود در مراسم ملی گرایان و میهن‌پرستان نیز مشاهده کرد.

از نظر رودنولر، آیین در همه اشکالش عنصری جدی در زندگی است ولی گاهی رخدادهای آیینی، آشکارا به امر قدسی - به گونه‌ای که مشارکت‌کنندگانشان می‌شناسند - نسبت داده می‌شود و گاهی رخدادهای آیینی به موضوعات جدی‌ای که مشارکت‌کنندگان، آن‌ها را به عنوان امور دنیوی، سیاسی - اقتصادی و خانوادگی می‌شناسند، معطوف می‌گردند. البته از آن‌جا که این اعمال بخشی از زندگی روزمره به شمار می‌آیند، به طور معمول آن‌ها را امری خاص یا ویژه که جدی هستند، تلقی نمی‌کنیم ولی وقتی قولی شکسته می‌شود، عرضه خود در موردی غیر صادقانه می‌شود یا وقتی شایستگی و کنترل عاطفی در رفتار معرفی، پنهان است، حس تخلی [از امر جدی] هویدا می‌گردد.

بخش پایانی قسمت دوم بهره نخست کتاب به ارائه تعریف جامع و مانع رودنولر از آیین اختصاص دارد:

آیین، اجرای داوطلبانه رفتاری است که به شکل سزاوار به منظور تأثیرگذاری نمادین یا مشارکت در زندگی جدی طراحی شده است.

قسمت سوم و چهارم بهره نخست به بررسی برخی مفاهیم ناکارآمد در شناخت آیین - مفاهیمی که در تبیین آن تنها تا حدی گویا هستند - پرداخته است.

قسمت پنجم نیز به بررسی برخی مسائل ویژه در مطالعه آیین مانند تغییرات آیین‌ها و نیز چگونگی ابداع آیین‌ها می‌پردازد.



مؤلف در قسمت ششم از پهنه نخست، نخستین مباحث خود را در بررسی نسبت آیین و ارتباط با عنوان نظریه ارتباطات و مسائل آیینی آورده است.

رویکرد محوری این بخش، پرداختن به وجوه ارتباطی آیین‌هاست که از اثبات مقدماتی «آیین، شکلی ارتباطاتی است» تا «آیین، یکی از قوی‌ترین صور تأثیرگذاری ارتباطاتی است» پیش می‌رود. آیین‌ها از مجموعه‌ای علایم کلامی و غیر کلامی ظاهری تشکیل شده‌اند ولی در حقیقت رفتارهایی نمادین [معنی‌دار] هستند. بنابراین همواره حرکات جسمانی در آیین، نشانه‌هایی است که بر چیزی دیگر دلالت دارند.

از این منظر هر چه به عنوان آیین اجرا می‌شود در واقع امر با آن مدلولات و نه با حرکات جسمانی، اجرا شده است. بنابراین خصلت‌های ارتباطاتی آیین در ربط با آن مدلول‌ها، خصلت‌هایی مقدم و برای تمییز آیین به عنوان آیین، جوهری هستند. از این جهت است که رودنبولر، نه تنها برای آیین‌ها کارکرد ارتباطاتی قابل است، حتی در سطحی بالاتر می‌گوید:

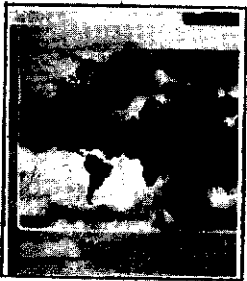
اگر آن‌ها به شکل ارتباطاتی عمل نکنند، اصلاً عمل نکرده‌اند.

از نظر رودنبولر وقتی آیین به عنوان شکلی ارتباطاتی تلقی شود، همان تمهیدات ارتباطاتی سابق در آیین هم وجود دارد؛ پس همان‌طور که ارتباطات تحت تأثیر متغیرهای انسانی، مانند تلاش‌ها، انتخاب‌ها، تفاسیر، توجهات، سوگیری‌ها و بدفهمی‌ها که به قوی، ضعیف، خوب، بد و... تقسیم می‌شوند، آیین‌ها نیز به همین روش می‌توانند با تلاش و تمرکز فوق‌العاده اجرا شوند یا نه، برای اهداف عالی و ستودنی اجرا شوند یا بازنمایی‌هایی ناپسند محسوب گردند. رودنبولر تأکید می‌کند که:

[از منظر ارتباطی] آیین، قدرت بیرونی مقدسی نیست که نفوذی غیر قابل مقاومت بر امور انسانی داشته باشد.

وی در ادامه به یکی از نتایج جالب تلقی ارتباطاتی از آیین در مباحث سابقه‌دار و مهم ارتباط آیین و نظم اجتماعی اشاره می‌کند:

[همواره] آیین، نمایش نظم اجتماعی تلقی شده و چنین تصور شده است که می‌تواند آن را بسازد و بنابراین در خلق، نگهداری و سازگار کردن آن مؤثر دانسته شود ولی



اگر آیین از فراز و نشیب‌های ارتباطات متأثر شود، باید پذیرفت که نظم اجتماعی هم به نوبه خود بر آیین اثر می‌گذارد.

مؤلف در ادامه، مباحث گسترده‌تری را در حوزه نسبت آیین با مفهوم ارتباطات مطرح می‌کند که پرداختن به همه آن‌ها از مجال این مقال خارج است. در همان حال که هر چقدر به پایان بخش آخر بهره نخست، نظریه ارتباطات و مسائل آیینی نزدیک می‌شویم، روند مباحث از پیچیدگی و دقت تخصصی بالاتری برخوردار می‌گردد.

و اما بهره دوم: آیین در پژوهش ارتباطات

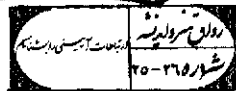
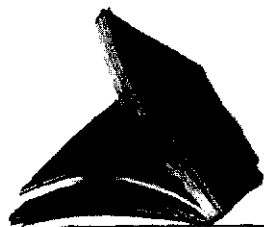
ساختار اصلی بهره دوم از هفت مبحث اصلی تشکیل شده است که هر یک مقدمه‌ای اساسی برای توضیح نظریه بدیع مؤلف و تلقی آیینی از ارتباطات به شمار می‌رود. بنابراین در حالی که بهره اول تا حد امکان از وجوه ارتباطاتی آیین سخن به میان آمده است، بهره دوم به وجوه آیینی ارتباط اختصاص دارد.

مؤلف، بخش اول بهره دوم را با بررسی پنج کمک مفهوم آیین به مطالعات ارتباطی آغاز کرده است.

۱. از نظر او تحریک افکار دانشمندان یا تغییرات ساده‌ای در نام‌گذاری - همان‌طور که در نامیدن ارتباط به آیین رخ می‌دهد - دست‌کم یاری آن به مطالعات ارتباطی است و می‌شود به بستری از خلاقیت‌های نظری تبدیل شود.

۲. آیین هم‌چنین به شناسایی جنبه‌های تحلیل شده امور ارتباطی کمک می‌کند؛ برای نمونه با اضافه شدن نگاه‌های آیینی به مطالعه ارتباطات میان‌فردی، می‌شود جنبه‌های بیشتری از آن را شناخت و بررسی کرد؛ زیرا تاکنون این گونه مطالعات به طور عمده با تمرکز بر ویژگی محاوره‌ای آن صورت گرفته است.

۳. یکی دیگر از موارد کمک آیین به مطالعات ارتباطی در توضیح جنبه‌های غیر عادی امور، ظاهر می‌شود. اگر ارتباط را فرآیند انتقال پیام فرض کنیم در تحلیل جنبه‌هایی از آن - که در ظاهر از هیچ گونه پیام‌داری بار اطلاعاتی مناسب برخوردار نیست - دچار اشکال خواهیم شد؛



برای نمونه چرا در محاورات بین شخصی، اطلاع‌رسانی سهمی چنین اندک دارد؟ چرا در محاورات، تا این اندازه برای تکرار سخنی یا نگفتن حرف حساب، وقت صرف می‌شود؟ بدون داشتن رویکردی آیینی پرسش‌هایی از این دست بدون پاسخ خواهند ماند و هم‌چنان پدیده‌هایی خارج از قاعده تلقی خواهند شد.

۴. از طرف دیگر آیین به پروراندن توقع درخور از امور ارتباطی، کمک می‌کند. بدیهی است اگر بسیاری از وجوه ارتباطی مانند تبلیغات تجاری را از منظری آیینی بنگریم، آن‌گاه به مطالعات کلیشه‌ای مبتنی بر تأثیرپژوهی صرف اکتفا نکرده، وجوه مهم دیگری را نیز از نظر خواهیم گذراند.

رودنیولر معتقد است:

اگر منطق آیینی در مطالعه رفتار مصرف‌کننده به کار گرفته شود، توجه به آیین‌های مصرف و تأثیرات آیین بر تعریف از خود، روابط و معانی جلب می‌شود. پژوهشی که به کارکردهای محتمل آیین تبلیغات تجاری اشعار ندارد، قادر نخواهد بود این نوع از نتایج را پیش‌بینی کند.

نویسنده در بخش دوم بهره‌دوم به ارتباطات رسانه‌ای شده در شکل آیین می‌پردازد و سعی دارد ادبیات نظری برآمده در این خصوص را طی یک دسته‌بندی چهارگانه مرور کند:

۱. رخدادهای رسانه‌ای و آیین‌های رسانه‌ای شده، آن‌جا که پوشش زنده تلویزیونی به شکل بخشی کلیدی از برگزاری مراسم، استفاده می‌شود؛ برای نمونه مراسم تدفین جان اف. کندی، عروسی پرنسس دایانا و سفرهای باب‌تران پل دوم، نمونه‌هایی از این موقعیت‌ها هستند. در این موارد، پوشش تلویزیونی، شکل مراسم^۶ می‌گیرد و مخاطبان تلویزیون به شکل مشارکت‌کنندگان از راه دور مراسم درمی‌آیند. این مشارکت از راه دور^۷ در مراسم - که تنها با ارتباط تلویزیونی مقدور است - شکلی به وضوح نو از آیین عرضه می‌کند.

۲. استفاده آیینی شده از رسانه نوع دوم، ارتباطات رسانه‌ای در شکل آیینی آن است. در این میان تشخیص شکل آیینی استفاده از رسانه‌ها از شکل عادی استفاده از آن‌ها اهمیت دارد که

می‌شود مصادیقی را ارائه کرد. این‌که مخاطبان رفتار خود را برای تماشای تلویزیون، گوش دادن به مطالب ضبط شده، تماشای ورزش و... تنظیم می‌کنند به‌طور کامل با تعریف آیین - که رفتارهایی از پیش طراحی شده و برای مشارکت نمادین در زندگی جدی تعریف شده است - انطباق دارد.

۳. آیین‌های فعالیت‌های رسانه‌ای عنوان حوزه سوم پژوهش درباره شکل آیینی ارتباطات رسانه‌ای است. نمونه‌های این نوع شامل توجه خبرنگاران به پرسش‌ها، عنوان‌ها و سبک استاندارد نگارش داستانی آن‌ها می‌شود. اگر رخدادهای رسانه‌ای موجب می‌شود رسانه، آیین را عرضه کند در نهایت، عرضه رسانه‌ای در قالب آیین، مصداق پیدا می‌کند.

۴. چهارمین موضوع مورد بحث در این فصل، ادعای مورد مناقشه درخور تأملی است که می‌گوید امروزه تلویزیون هم‌چون دین آمریکایی عمل می‌کند. این ادعا بر تعریف اشکال آیینی در شیوه‌های برنامه‌سازی تلویزیون و نیز تماشای آن، مبتنی است؛ یعنی مردم تماشای برنامه‌های عادی و روزمره را همان قدر جدی تلقی می‌کنند که مؤمنان، دین را و همان نوع تجربه دینی که مؤمنان در مراسم عبادی پیدا می‌کنند، نزد تماشاگران تلویزیون رواج دارد.

نویسنده در بخش سوم بهره دوم با عنوان کارکردهای آیینی فرهنگ رسانه‌ای شله سعی داشته است وجوه عمیق‌تری از نظریه تلویزیون به مثابه دین آمریکایی را بشکافد. تمرکز مؤلف از این پس بر عناصر محتوایی برنامه‌های تلویزیون در آمریکا مانند اسطوره‌گرایی و نمایش‌های اخلاقی است.

نویسنده در بخش چهارم بهره دوم با عنوان آیین‌های سیاسی، بدیعی و مدنی^۸ این بار به جنبه‌های بین فردی و پویایی‌های انسانی آیین‌های رسانه‌ای شده، می‌پردازد.

نویسنده در بخش پنجم بهره دوم، صور ارتباطات آیین در زندگی دنیوی روزمره، بدون ارتباط با رسانه‌ها بحث و بررسی می‌کند. بر اساس توضیحات رودنبولر، اولین و طولانی‌ترین بخش این فصل به کار گافمن و دانشمندانی که عناصر آیینی تعاملات بین فردی را تحلیل کرده‌اند، اختصاص یافته است. بخش پنجم به موضوع سبک اختصاص دارد. سبک، بخشی از آیین بین فردی است ولی به علت رابطه‌اش با مُد و صنایع فرهنگی عامه‌پسند، موضوعی مستقل نیز محسوب می‌شود. بخش پایانی به آیین‌های زندگی کاری و سازمانی توجه می‌کند.

مؤلف، بخش ششم بهره دوم - که به نظر نگارنده، مغز کتاب محسوب می‌شود - را به ارائه شفاف تئوری اصلی خویش اختصاص داده است. عنوان کلی بخش ششم عبارت است از برداشت‌های آیینی از فرهنگ و ارتباطات که رودنبولر پس از مقدمه اساسی وارد مبحث اصلی خود با عنوان برداشتی آیینی از ارتباطات می‌شود.

مقدمه رودنبولر با عنوان اصطلاحات و فرهنگ ضد آیین‌گرایی به عنوان موضوعی از سبک

ارتباطات به طور عمومی به اثبات همه جانبه این نکته می‌پردازد که آیین، واقعیتی همه‌جا حاضر و گریزناپذیر است و حتی ضدیت با آیین به شیوه‌ای آیین‌گرایانه اظهار شده است. وی بدون وقفه نتیجه می‌گیرد:

پس آن‌چه نیاز داریم رویکردهایی علمی‌ای است که نسبت به ارزش‌های پاینده آیین، حساس و برای توجه به صور ارتباطاتی آن مجهز باشد.

و در نهایت از همین نقطه است که شروع به ارائه تئوری خود با عنوان برداشتن آیینی از ارتباطات می‌کند که ابتدای این مقال را با توضیح آن آغاز کردیم.

نویسنده در آخرین بخش کتاب خود از ضرورت خود آیین برای موجود انسانی، سخن گفته است. انسان نیاز دارد که خود را در چهارچوب امور بزرگ‌تر از خود، نظم‌های وسیع‌تر و واقعیت‌های بنیادی‌تر ببیند. او ارتباط با این چهارچوب‌ها را از طریق آیین به وجود می‌آورد. رودنبولر در تشریح این مطلب، کتابش را چنین به پایان می‌برد:

در بسترهای متفاوت، از دین گرفته تا ملی‌گرایی، از روابط اجتماعی گرفته تا الزامات سازمانی، آیین‌ها ما را در ارتباط با آن آرمان‌ها، ارزش‌ها، حقایق، روایت‌ها و معانی‌ای قرار می‌دهند که بزرگ‌تر از ما هستند و با عظمت خود، زندگی ما را غنی می‌سازند. در آیین و از منظر آن، این آرمان‌ها جدیتی آشکار دارند؛ چرا که مانند چیزهایی که پیش از مواجهه ما و پس از قلمرو معمولی ما قرار دارند، ظاهر می‌شوند. این زبانی است که ما از دین به ارث برده‌ایم ولی این پیوند روحی با امر قدسی، بخش پسندیده‌ای از زندگی هر کس است که تلاش می‌کند صادق باشد. حقیقت را ارج نهد و به دعوت برای پای‌بندی عظیم‌تر، خلاقیت بزرگ‌تر، شعور بزرگ‌تر یا خیر عظیم پاسخ دهد.

کتاب ارتباطات آیینی از گفت‌وگوهای روزمره تا جشن‌های رسانه‌ای شده که قسمت‌های پایانی آن را از نظر گذراندید با ترجمه فصیح و بلیغ دکتر عبدالله گیویان استادیار دانشکده صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و با حمایت مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع) و نیز از سوی انتشارات این دانشگاه در ۱۰۰۰ نسخه منتشر شده است. مطالعه این اثر برای عموم علاقه‌مندان به علوم اجتماعی و رسانه‌ها و دین به ویژه اساتید و دانشجویان رشته ارتباطات فرصت مناسبی است که از ترجمه فاخر و استادانه ایشان استفاده کنند.

